

قوه اجرائیه، قوه مقننه و گزینه های انتخاباتی افغانستان

William Maley

مقدمه

- 1 (مقصود قانون اساسی تاسیس يك چوكات رسمي براي ایفا قدرت دولتي براي همگان و تفسیر وظایف و اجراً نقش رفتارشان است. به عنوان حداقل، يك قانون اساسی مؤثر دو کار لازم است انجام دهد.
اول اینکه باید مؤسسات مختلف، حد و حدود قدرتی که می خواهند بکار ببرند و نقشهایی که باید این مؤسسات ایفاء کنند را تعیین کرد و قوانین عملی را برقرار کرد، که البته تصویب آنها در اولویت باشد، برای حل و فصل تعارض هایی که ممکن است بین این مؤسسات بوجود آید.
دوم اینکه باید مشخص شود افرادی که موسسات را اداره میکنند چگونه انتخاب می شوند.
- 2 (تاریخ نشان می دهد بیشترین دوام سیاسی و دولت موفق برای آنهایی است که به یکدیگر به اندازه کافی اعتماد داشته باشند و در موارد زیر توافق داشته باشند:
1- چوكات اصلی برای مؤسسه
2- خطری که از این هرازگاهی برای از بین بردن آنان توسط قدرتهای حکومتی بوجود می آید.
اگر قدرت دولت بین شعبه ها و نمایندگیهای مختلف تقسیم شود، اعتمادها نیز نسبت به اینکه در يك شخص قدرتمند متمرکز شود بیشتر می شود(این قدرت به وسیله برنده ها که بازنده ها را سرکوب می کنند، به وجود می آید).
- 3 (کار سخت این است که تدبیری بکار رود که از کار مؤسسه ای که بخواهد قدرت را از متمرکز شدن باز دارد و کار دولت دیکتاتور را آسان کند جلوگیری شود، که در عین حال از متلاشی شدن قدرت جلوگیری میکند که این روش، وضعیت را به سمت داشتن دولت بی تاثیر و غیر عملی سوق می دهد.
- 4 (قدرت دولتي می تواند به چند پایه مختلف تقسیم شود:
اول اینکه تقسیم منطقه ای هم در بین ماموران دولت و هم در بین دولتهای محلی برای در دست گرفتن قدرت در رابطه با موضوعات محلی اتفاق افتد.
دوم اینکه تقسیم وظایف ممکن است صورت گیرد. با اعطای قدرت قانون گذاری به

يك مؤسسه (قوه مقننه) تفسير قدرت به مؤسسه ديگري اعطاء ميشود (قوه قضائيه) و اجراء قدرت هم به مؤسسه ديگري واگذار ميشود (قوه اجرائيه).
سوم اينكه تك تك مؤسسات خود مي توانند تقسيم شوند. براي مثال: تاسيس دو دفتر مجلس (لويه جرگه و شوراي مديران) يا تاسيس دو دفتر سياسي و تخصصي در قوه اجرائيه.

5) قانوني بودن درازمدت نگهدارندگان دفتر سياسي به ميزان قابل توجهي بستگي به قابل قبول بودن براي قشر گسترده اي از مردم دارد. و اين هدف نياز به توسعه مكانيزمهائي توسط مردم عادي دارد كه كسي را كه بر آنها و به حزبهائي سياسي حكومت مي كند انتخاب كنند.

6) اگر يك مؤسسه جديد كه به وجود مي آيد ميداني را براي فعاليت احزاب به وجود آورد كه اين احزاب خود را برنده ببينند، اين مؤسسه موفق تر است تا آنكه فقط يك حزب خود را برنده ببيند آن هم در زماني كه بازندگان در حال استراحت هستند و هيچ فعاليتي ندارند.

گزينه هاي قوه اجرائيه

قوه اجرائي

7) به اين نکته مهم بايد توجه داشت كه چه اختياري قوه اجرائيه بايد داشته باشد (در برابر قواي مقننه و قضائيه).

8) در كشورهاي قديمي مثل انگلستان، قدرتهاي اجرائي يك قدرت قانوني و امتياز مخصوصي بود براي پادشاه بود و اين قدرت در مواردی مثل اعلام جنگ، بستن قراردادها يا قوانين ديگر و بخشودن مجرمان را هم شامل بود. از آن پس، به تدريج، قدرت هاي بيشتري فقط از طريق قوانيني كه توسط مجلس وضع مي شد مي توانست به قوه اجرائيه اعطاء شود.

9) در دولتهاي جوان تر مثل ايالات متحده آمريكا و استراليا، نوشتن و تنظيم قانون اساسي به قوه اجرائيه اعطاء شد تا اينكه افراد دولتي را تعيين كنند و به موازات آن قدرتهاي ويژه اش را هم به مردم بشناسانند (از قبيل نقش رئيس جمهور آمريكا بعنوان رئيس كل قواي نظامي). محدوده دقيق اختيارات قوه اجرائيه به وسيله ديوان عالي قضائي تعيين شده است (دادگاه عالي در استراليا).

10) در بسیاری از کشورها، انجام کارهای قوه اجرائیه (هم به وسیله وزیران و هم کارمندان دولتی) تابع موشکافی قوه قضائیه است اگر در اجراء، علاقه تک تک افراد بر روی انجام کارهای اداری تاثیر بگذارد یا موجب کاغذ بازیهایی اداری شود. به محکمه‌ها می‌توان این قدرت را داد که هر جا که تصمیمات گرفته شده با استفاده نابجا از قانون بده و یا با بی‌اهمیت جلوه دادن قانون، و یا وقتی که افراد ناکارآمد گزارشات مناسبی ارائه ندهند را باطل نماید.

شکل قوه اجرائیه

11) دو انتخاب اصلی معمولاً، فوراً به ذهن می‌آید وقتی یک دولت قرار است طراحی شود:

یکی سیستم رئیس جمهوری خالص است که در آن رئیس جمهور برای یک دوره مشخص انتخاب می‌شود و یک تیم وزراء را رهبری می‌کند. رئیس جمهور کسی است که قدرت را تا انتخابات بعدی بر عهده دارد. مهمترین مثال از کشورهای مدرن ایالات متحده آمریکاست.

دیگری نظام پارلمانی است که توسط صدراعظم رهبری میشود و صدراعظم رهبر آن حزب است یا رهبر ائتلافی از احزاب را بر عهده دارد و می‌تواند به حمایت اکثریت اعضا در گردهمایی‌های قانونی، مصونیت ایجاد کند و در عین حال می‌تواند با رأی عدم اعتماد اعضای مجلس از رهبری عزل شود. شرط وزیر شدن این است که شخص باید یکی از اعضای مجلس باشند و یا به سرعت عضو مجلس شود، مثل انگلستان و کانادا و استرالیا و زلاندنو (نیوزلند).

12) ولی بین این دو، سیستم‌های مختلف و مختلط بسیاری وجود دارد که در آن صدراعظم عملاً حکومت می‌کند ولی رئیس جمهوری هم وجود دارد که حالت سمبولیک دارد به عنوان رئیس دولت (مانند سنگاپور و آلمان و اسرائیل)، یا رئیس جمهور و صدراعظم هر دو باهم قدرت‌های واقعی (نه سمبولیک) در موضوعات متفاوت دارند (مانند فرانسه).

وظایف قابل اجراء رئیس جمهور

13) یک نظام رئیس جمهوری خالص (بدون صدراعظم) حامیان بسیاری را در خیلی از زمینه‌ها به خود جذب می‌کند: اول اینکه یک سیستم رئیس جمهوری نیاز به وجود یک رهبر قدرتمند را اجابت میکند و این معمولاً روشن می‌کند که عضو ارشد در سیستم سیاسی واقعاً چه کسی است.

دوم اینکه رئیس جمهوری که بر اساس یک انتخابات تمیز به قدرت رسیده است می تواند تا حدودی ادعای حقانیت کند، در حالیکه ممکن است در نظامی که در آن صدر اعظم وجود داشته باشد معامله مخفی در پشت درهای بسته و به صورت مبهم است که منجر به انتخاب صدر اعظم بعد از انجام انتخابات می شود که این فضای تیره ای را می تواند ایجاد کند.

سوم اینکه وقتی دوره ثابتی برای یک رئیس جمهور وجود داشته باشد، می توان در مورد ثابت ماندن رویه ها و سیاست های دولت مطمئن بود حداقل تا دور بعدی انتخابات.

14) اما، سیستم رئیس جمهوری یک عده ضعفهای قابل ملاحظه نیز دارد. اول اینکه، اگر یک کاندیدای رئیس جمهوری موفق به سادگی رأی بیاورد یعنی اکثریت آراء را کسب کند، هیچ تضمینی وجود ندارد که شخص پیروز در انتخابات از حمایت اکثریت افراد رأی دهنده بهره مند شود.

دوم اینکه با وجودیکه دولت رئیس جمهوری قدرتمند است ولی تک تک اعضای کابینه دولت شخصاً ضعیف می باشند، که نتیجه آن به وجود آمدن سیاست فلج است.

سوم اینکه سیستم رئیس جمهوری یک دستور العمل برای بوجود آمدن بلا برای جوامعی است که در آن متفکرین و برگزیدگان سیاسی عمیقاً متفاوت از یکدیگر فکر می کنند. یک سیستم رئیس جمهوری خالص (بدون صدر اعظم) عملاً فقط اجازه یک برنده را می دهد و بازندگان بسیاری تا زمان انتخابات بعدی دلخور خواهند بود.

15) آنهایی که از مدل های آمریکایی الهام میگیرند باید بدانند که این مدل عملاً فقط یک مثال در عصر حاضر از یک کار هموار در سیستم رئیس جمهوری خالص است و اینکه عمل توسعه این سیستم شامل یک جنگ مشقت بار در جامعه است. و سرانجام اینکه ساختن مؤسساتی که مردم عادی را برای اطاعت کردن بدون چون و چرا تشویق میکنند به نسبت مؤسساتی که فقط در زمانی کار کنند که بزرگترین رهبر ظاهر شود، بهتر است.

وظایف قابل اجراء پارلمان

16) یک قوت نظام پارلمانی که زیاد به آن اشاره شده است، اینست که ابزارهای قانونی برای از بین بردن بن بست ها یا دولتهای بی تدبیر را در دست دارد. ولی سیستم پارلمانی که از طرف مجلس تعیین می شود انواع بسیار مختلفی دارد: در بعضی جاها، انضباط بین اعضای حزب چنان قوی شده است که مجلس تبدیل شده است به جایی برای مباحثه در موضوعات. برای مثال، در استرالیا، 60 سال گذشته است از آخرین مرتبه ای که دولت استرالیا به وسیله مجلس ملغی شده است.

در دیگر مکانها، هیئت انتخاب کنندگان تجزیه شده و با نسبتی از نمایندگان شرکت کننده به وسیله توانایی که در تضعیف يك دولت دارند، به هم ملحق میشوند و حزب و گروه اقلیت تشکیل می دهند. چنین تدبیری در مقابله با احزاب مذهبی فوق افراطی در اسرائیل استفاده شده است. در این قبیل سیستمها، دولتهای عاقل یا مبتکر خود را فلج می یابند.

17) يك موضوع مهمتر برای قرار دادن قوه مجریه در مجلس این است که پاسخگو بودن تضمین می گردد. اگر قرار باشد که وزرا از اعضای پارلمان باشند، مجبور خواهند بود که در جلسات آن شرکت کنند و به طور منظم در مورد فعالیت های خود و کارمندان خود و وزارتخانه های تحت رهبری خودشان زیر سؤال قرار گیرند و پاسخگو باشند. يك انتقاد به این دسترسی و رسیدگی اینست که عامل خوبی برای برکنار کردن و جلوگیری از کار در پستهای دولتی است زیرا آنها آرزو دارند که هیچگاه در احزاب و درگیریهای سیاسی گرفتار نشوند. اما راههایی برای حل این مشکل وجود دارد: در انگلستان بعنوان مثال تك تك افراد که عضو هیئت دولت هستند می توانند مادام العمر تعیین شوند به طور مستقیم توسط مجلس اعیان (لرد) که قدرت بسیار کمتری دارد از منتخبین مجلس عوام، اما به هر حال، روش خوبی فراهم می آورد برای اینکه اشخاص برجسته وارد خدمات دولتی شوند.

مستخدمين اداري قانوني

18) بعضی از پست های قوه اجرائیه بهتر است به وسیله اشخاص حرفه ای پر شود و این اشخاص باید مستقل از احزاب سیاسی باشند. این مورد شامل آنهایی که مشورتهای متبحری در مورد قانون می کنند، و نیز افرادی که انتخابات را ترتیب می دهند و افرادی که به جرم و جنایت رسیدگی می کنند و حدود آنها تعیین می کنند و کسانی که باید با مأمورین دولتی بی کفایت برخورد کنند و کسانی که مأموران دولت را برای خدمت کردن به دولت و بانکداری استخدام می کنند.

پيشنهادات

قدرت قوه اجرائیه

19) در افغانستان، این مهم است که قدرتهای مخصوصی که دولت دارد به وسیله محکمه دقیقاً مشخص شود. شخصی که نمی تواند به برگزیده نظر اکثریت اعتماد کند یا اینکه يك اراده قضایی برای قدرت اجرائی تعیین کند: این تشکیلات غیر قابل بیان و به طور زیاد بحث برانگیز است.

20) در جاییکه قدرتها به طور سریع، با یقین و قاطعانه باید کارهایشان را انجام دهند، باید قدرت را بجای قوه مقننه به قوه اجرائیه داد: يك مثال در این مورد قدرت برای تحویل دادن نیرو به جبهه جنگ در شرایطی که دشمن از خارج حمله کرده باشد است. بقیه مسئولیتهای اجرائیه مهم دیگر باید هدایت ارتباطات از خارج باشد. مثل امضاء قراردادها و تصدیق قراردادها، قرض کردن های بخش دولتی و انتشار پول رایج.

21) به هر حال، جاییکه قدرتها مورد سوء استفاده قرار میگیرند، قوه اجرائیه باید به طور محتاطانه محیط را تحت کنترل خود درآورد: برای مثال محدودیت زمانی میتواند جایگزین استفاده نیروها به وسیله حکم قوه اجرائیه بدون حمایت و ثبات مجلس شود.

22) تصمیمات اختیاری وابسته به تك تك افرادی خاص است که باید تابع انضباط سیستم تجدید نظر قانونی باشند.

پیشنهادهات

تشکیلات اجرائی

23) در این جا هیچ تشکیلات اجرائیه کامل وجود ندارد ولی از يك سیستم رئیس جمهوری خالص باید دوری شود. دولتی که کارهای اجرائیه بر عهده دارد باید در يك مجلس پایه گذاری شود و پاسخگویی مجلس باشد.

24) اگر رئیس دولت رسمی لازم به قضاوت کردن در مورد آن باشد، ممکن است که انتخابات ریاست جمهوری به وسیله اکثریت مردم (شاید 75%) اعضاء مجلس باشد و این کار برای تضمین کردن يك انتخابات اجتماعی نسبت به يك انتخابات جنجال برانگیز است.

25) قدرت يك رئیس جمهور باید کاملاً محدود شود و این محدود کردن برای جلوگیری از نزاع و رقابت با صدراعظم می باشد. رئیس جمهور نباید بتواند به قانونی که از نظر مجلس گذشته و توسط مجلس تصویب شده، رای مخالف بدهد، ولی باید يك حق از طرف خودش داشته باشد که این رای ها را به بالاترین مقام محکمی ارجاع دهد تا اینکه مطابقت آن رای و حکم با قانون اساسی مشخص شود.

26) باید فقط تعدادی وزیر منصوب شود که برای ریاست وزارتخانه ها مفید باشند و این برای دولت بهتر است که تعداد کمی از چیزها را به خوبی انجام دهد تا اینکه تعداد بسیاری از کارها را نادرست انجام دهد.

پیشنهادات

اداره جات رسمی و قانونی

- 27) يك اساسنامه برای شعباتی که در زیر نامبرده می شود باید تهیه شود:
- 1) معاون رئیس دیوان عالی، مشاور ارشد مستقل حقوقی به دولت
 - 2) کمیسیون انتخاباتی مستقل که جوابگویی تمام جنبه های اجرایی انتخابات است.
 - 3) مدیر دادستانی که هدایت کننده پیگیریهای دولتی باشد که تشخیص دهد که آیا دعاوی را می توان به محکمه آورد یا خیر.
 - 4) مامور رسیدگی به شکایات مردم که کاملاً قدرت رسیدگی به شکایات تک تک افراد را در زمینه های اجرایی قوه اجراییه دارد.
 - 5) کمیسیون خدمات اجتماعی، که از خواسته های نابجا برای جذب نیروهای تازه جلوگیری می کند.
 - 6) بانک مرکزی، تبدیل کردن و انتشار پول رایج را بر عهده دارد و از تورم جلوگیری می کند.
 - 7) مامور و مفتش رسیدگی به حقوق و حسابها که رسیدگی می کند که آیا هزینه های دولت حسابرسی می شود یا خیر و کارمندان شایستگی کافی برای دستیابی به این حقوق را دارند یا خیر.

28) کمک دادن به این شعبات برای استقلال و غیر وابستگی سیاسی، که ممکن است قابل توجه باشد که قدرتی که برای انتصابات در شعبات به وجود می آید، به وسیله شعبات بین المللی مستقل تضمین میشود.

(این انتصابات برای يك دوره 10 تا 20 ساله و یا شاید هم برای مادام العمر) (و در مورد شعبات بین المللی مستقل: برای مثال: رئیس محکمه قضایی بین المللی، سرپرست مؤسسه بین المللی دموکراسی و دستیار انتخاباتی و هدایت کننده تشکیلات صندوق جهانی پول).

گزینه های قوه مقننه

قدرت قوه مقننه

29) محتوای بخصوص قدرتهای سازنده قانون در قوه قضائیه میتواند فقط در گستره مذاکرات اساسی در بین مردمان افغانی در مورد طبیعت خاص سیستم سیاسی که آنها آرزوی داشتش را دارند مشخص گردند.

30) اگر نظام فدرال انتخاب شود، گزینه های زیر را باید در نظر گرفت: مثلاً در استرالیا، دولت مرکزی می تواند قدرت اختصاصی را به ولایت هایی که در حال اجراء قدرت در مناطق هستند و در مناطقی هستند که اعتباری برای مرکزیت شدن ندارند، اعطاء کند. مثلاً در کانادا، ولایات می توانند قدرتهای ویژه ای را به مناطقی که در حال اجرای قدرت در مناطق هستند و اعتباری برای مرکزیت شدن ندارند، اعطاء کند. ولی در هر دو مورد، دیوان عالی برای به دست گرفتن قدرت تعیین می شود که قوانین باید در مواقعی که به طور مرکزی غیر قابل اجرا هستند و با قوانین ولایات ناسازگارند، حکمفرمایی کنند.

31) اگر چه يك سیستم فقط با قانونگذار مرکزی سازش پذیری دارد (این سازش پذیری با دولت محلی است که از هیچ حمایت قانونی طبق قانون اساس بهره نمی برد). قانون اساسی ممکن است به طور مفیدی قدرت قانون گذاری را برای تعیین پایه های حقوقی که هیچ اختیار و مسئولیت سیاسی ندارد و می تواند تخلف کند را محدود کند.

32) يك مسئولیتی کلیدی مجلس، پیش بینی برای مالیات گیری و خرج آن مالیاتهاست (که همان بودجه است). برگرداندن بودجه دولت توسط مجلس، جدی ترین حالت تحریم است که می تواند بشود. به هر حال دلایلی برای انسجام سیاست وجود دارد که مجلس نباید قدرت تجدید نظر و اصلاح بودجه را داشته باشد که این خود يك دستور العمل تقاضاهای بی وقفه برای مساعدت ویژه برای اعضاء یا حمایت کنندگان آنان است.

تشکیلات قوه مقننه

33) قانون گذاران معمولاً یا از يك انجمن یا دفتر شورا تشکیل شده (یعنی دارای يك مجلس مقننه است) یا از دو انجمن و دفاتر مجلس شورا تشکیل شده (یعنی دارای دو مجلس مقننه و مجلس شورایی مدیران باشد). مجلس يك شورایی کاملاً کمیاب است. زلاندنو يك نمونه معاصر است. بحث اساسی به نفع در چنین مجالسی این است که آنها از بوجود آمدن بن بست جلوگیری می کنند.

34) مجالس دو شورایی بیشتر رایج هستند: انگلستان، ایالات متحده آمریکا، کانادا

، استرالیا، فرانسه، جاپن، هند و افغانستان (طبق قانون اساسی سال 1964)، مثالهای متداول هستند. بیشترین شورای منتخب دموکراسی که معمولاً وجود دارد انجمن سفلی و بقیه انجمن علیا نامیده میشود.

قدرت مجالس دو شورایی شامل موارد زیر است:

شوراها می توانند از تنظیم عجلانه قوانین یا قوانینی که صحیح نیستند، جلوگیری کنند و همینطور از ساخته شدن قوانین بدون داشتن بازتابهای مناسب نیز جلوگیری کنند. شوراها میدان برای ضد بهره بردن فراهم می کنند تا اینکه مناظره سیاسی با جامعه تطبیق شود. شوراها فضاهای زیادی برای تعهدات سیاسی به وجود می آورند برای اینکه اهداف خود را در مسیر صلح جویانه بیابند.

35) می توان از بن بست دوری جست یا در راههای مختلف زیادی هدایت کرد. موافقت فقط از طرف يك انجمن ممکن است برای تصویب بودجه نیاز باشد. این انجمن معمولاً جایی است که صدراعظم از حمایت اکثریت برای انتصاب در شعبات بهره می برد. (مجلس سفلی) مجلس علیا ممکن است هیچ قدرتی برای مخالفت کردن با اقتباس نهایی از يك قانون ندارد باشد ولی فقط می تواند آن را به تاخیر اندازد. این احتیاجی به بودن يك قدرت سطحی و پیش پا افتاده ندارد، از زمانیکه قوانین عجلانه طرح شده که قوانین بدی هستند و نیروی تجدید نظر بیشتری از جزئیات قانون گذاری را به تاخیر می اندازد.

36) يك قوت سیستم مجلس، فراهم کردن حوزه مشارکت در بین سیستم کمیته هاست. بیشترین مجالس تاسیس شده يك موقعیت و اعتبار مهم دارند (که دائمی و همیشگی است) و انتخاب کمیته ها، و برای مخاطب قرار دادن و دوام آوردن موضوعات (مثل هزینه های عمومی) و یا موضوعات را به طور ناگهانی صعود دادن (از قبیل يك موضوع خاص در دست دولت بودن).

37) در قانون ممکن است يك تعدادی از افراد محدود شوند که یا در مجلس و یا مثل يك عضو پر قدرت در انجمن پایینی باشند و توان این کار را دارند. بحث اصلی در مورد محدودیت شرایط، کاستی ها بیست که توسط افراد سیاسی حرفه ای به وجود می آید که اینان کسانی هستند که منافعشان از دسترس مردم عادی اجتماع دور مانده اند. بحث اصلی بر خلاف دسترسی محدود به اداره مورد اعتراض اینست که آنهایی که کنار گذاشته اند ممکن است که با شرایط انحصاری یا ابزارهای خشونت به دنبال علائقشان می روند.

پیشنهادات

38) قدرتهایی که باید به وسیله مجلس بکار گرفته شود باید به وسیله توجه کردن، مشخص نشوند. خطر سوء استفاده از قدرت باید در افکار نگهداشته شود و روش حفاظت کردن قانون اساسی برای جلوگیری از سوء استفاده ها باید مطرح شود.

39) مجلس نباید قدرت تجدید نظر قانون اساسی داشته باشد.

40) مجلسی که دارای دو شورا است باید تاسیس شود. انجمن بالایی باید قدرت به تاخیر انداختن داشته باشد ولی نه اینکه قوانین طرح شده را رد کند. هر انجمنی باید برای خودش یک سیستم کمیته ای داشته باشد. انجمن پایینی باید به طور محبوب انتخاب شده باشد با تقریباً 480 عضو و بیشتر وزیران باید اعضاء انجمن پایینی باشند. انجمن بالایی شامل تعدادی افراد انتخاب شده نیستند ولی شامل وزیران قبلی و ماموران ارشد مجلس هستند.

گزینه های انتخاباتی

41) اعضاء انجمن پایینی باید در به طور محدود خدمت کنند. ولی آنهایی که در مقام وزیران یا ماموران عالی رتبه مجلس خدمت کرده اند باید برای انتصاب در انجمن بالایی شایسته انتخاب باشند و (در حالیکه قبلاً صدر اعظم و یا وزیران قبلی بوده اند) باید به اصطلاح خانه نشین شوند و به زندگی خود ادامه دهند، (در حالتیکه کارمند جزء در دولت بوده اند) باید در یک دوره یا دوره های بیشتر خدمت کنند.

42) سیستم های انتخاباتی مختلف، بر شرکت پذیری در انتخابات تاثیر می گذارند. یک تصور اکثریت است که بر انتخابات گروه مشخص که در دوره ای مشخص ایفاء نقش می کنند و به اکثریت اجازه می دهد که بر اقلیت غلبه کنند. یک تصور دیگر تناسب است که بر بازتاب قوانین قوه مقننه بر افکار مختلف درون یک انتخابات گسترده متمرکز می شود و نمایندگان اختیار دهنده به این افکار هستند که در میدان سیاست با یکدیگر مذاکره کنند.

43) در جوامع تقسیم شده که با نزاع به وجود آمده اند این مورد دومی بیشتر حقیقت دارد و این یک تمرکز در یک اتاق برای برندگان یک شرکت کننده می باشد.

44) توجهات عملی جدی، میدان را برای فعالیت انجیران انتخاباتی محدود میکند. بدون یک سرشماری جزئی و جمعیت به طور زیاد غیر متحرک غیر ممکن است که بتوان یک سیستم منصف برای تک تک اعضاء در نواحی انتخاباتی به وجود آورد، که اینچنین به وسیله مقاله 43 از قانون اساسی سال 1964 افغانستان برای انتخابات و

لویه جرگه ساخته شده بود. بدون محاسبه، در سطوح کلان، غیر ممکن است که از سیستمهای جالب توجه از قبیل انتخابات امتیازی که به رای دهنده نیاز دارد، استفاده شود. انتخابات امتیازی، انتخاباتی است که به رای دهنده برای بالا بردن رتبه کاندیداها، به خاطر برتری یافتن نیاز دارد.

45) این ممکن است و سوسه انگیز باشد که برای یک کشور کامل مثل یک انتخاباتی است و استفاده از بعضی انواع سیستم هایی که متناسب با لیست است که رای دهندگان به این اتحادیه های مشخص یا لیست ها رای می دهند و کرسی ها در مورد تناسب بیش از حد رای ها که در اتحادیه ها یا لیست ها هستند. اما بعضی از سیستمها ممکن است با موفق و راهی کردن یک کاندیدا به مجلس، احساسات مردم را نادیده بگیرند.

پیشنهادات

46) رای دهندگان باید در سطح ولایتی رای بدهند.

47) سهم تعداد واقعی کرسی هایی که در هر ولایت از مجموع 480 تا باید پر شود بر پایه تعداد رای دهندگانی است که واقعا در ولایت در طول انتخابات، انتخاب شده اند و این تعداد همان درصد از آراء است که در سراسر کشور رای داده اند.

48) $2/3$ از تمام کرسی هایی که در باید در یک ولایت پر شود از یک سیستم تناسب لیست استفاده می کند تا اینکه این سهم ها را به بر لیستهای مختلف تحویل دهد.

49) برای اجازه دادن به تک تک کاندیداها برای داشتن جایگاه مناسب، $2/3$ از کرسی های یک ولایت باید از بین سیستم رای گیری تصویب شده باشد. در چنین سیستمی، رای دهندگان در کنار نام تمام کاندیداهایی که آنها را قبول دارند علامت می گذارند و کرسی ها به کاندیدهای تعلق خواهد گرفت که بیشترین رای را آورده باشند.

یاداشتهای پایانی

1- رجوع کنید به: ((قدرت سازمانها)): طرح ریزی سیاسی و حکومت (انتشارات پوهنتون cornell، 2003 م - نویسنده: آندرو مک اینتایر).

2- رجوع کنید به: ((نقش انتخابات از قبل توافق شده)) نویسندگان: ترنس لایونز،

استفان جان
استرمن، دونالد واتچايلد و اليزابت ل. كوسينس و ((پايان جنگهاي مدني)): اجراء
توافق نامه صلح
(نويسنده: لين راي، 2002م) صفحه 215-235 تا صفحه 227-228.

3- قانون اساسي ايالت متحده آمريكا، اصل 11.1: قدرت اجرائي بايد به رئيس
جمهور ايالت
متحده آمريكا تفويض شود ...، اصل 11.2 رئيس جمهور آمريكا بايد فرماندهي ارتش
و نيروي
دريايي را بعهده گيرد ...، قانون اساسي استراليا، بخش 61: و قدرت اجرائي
كشورهاي مشترك
المنافع بریتانیا بر عهده ملکه است و وزير دفاع هم به نمايندگي از ملکه مي تواند اين
عمل را
انجام دهد و براي اجراء و نگهداري قانون اساسي و قانون بریتانیا گسترش مي يابد.

4- در سيستم قانون متداول، مكانيزم تجديد نظر قضايي، صدور حكم توسط محاكم
مشهورتر
بود.
مهمترين حكمها عبارتند از: حكم جلب همراه با ذكر دليل (درخواست دستگيري و
آوردن فردي قبل
از شروع محكمه)، (درخواست يك مامور رسمي براي افزودن اقتدارش)،
ممنوعيت
(توقف يك روند نامناسب در مسير كارش)، فرستادن حكم به محكمه پايين تر (نقض
تصميم
نادرست) و امريه (درخواست يك تصميم براي دستيابي به حكم صحيح و مطابق
قانون).

5- قانون اساسي استراليا، بخش 64: بعد از اولين انتخابات عمومي، هيچ وزير
مختاري نبايد ييش
از دوره 3 ماهه بر منصب خود باقي بماند مگر اينكه عضوي از مجلس شوراي
مديران يا خانه
نمايندگان شود.

6- اين بخش ها، حكومتهاي پادشاهي قانوني هستند كه راس هر بخش، پادشاهي
است كه

قدرتهایش بوسیله مقررات قانونی و رسمی یا قوانین غیر رسمی محدود می شود.

7- رجوع کنید به رئیس جمهور ها و اکثریت ها: تشکیل دهنده قانونی و نیروی محرکه انتخاباتی (کمبریج، انتشارات پوهنتون کمبریج، 1992 م)، نویسندگان: مائو سوبرگ شعوگارت و جان.م. کری.

8- این دقیقاً مشکلی بود که خیلی از محققین در دومین دوره ریاست جمهوری روسیه بوریس یلتسین به آن پی بردند.

9- جوان لینز، ((خطرات حکومت رئیس مابانه))، مجله دموکراسی. ولیوم 1. شماره 1. سال 1990 م. صفحات: 51-69

10- رجوع کنید به ((ناپایداری نظام های جهان سوم)) مجله علوم اجتماعی بین المللی.

نویسنده: فرد، و. ریگز - شماره 136، سال 1993 م - صفحات: 243 - 199.

11- آلفرد استفان و سیندی اسکاچ، ((چوکاتهای قانونی و یکپارچگی دموکراتیک)) (حکومت پارلمانی بر علیه حکومت ریاست مابانه)) - جهان سیاست.

12- جیوانی سارتوری، تشکیل دهنده قانونی مقایسه ای: کاوشی در ساختارها، مشوق ها و نتایج (نیویورک، مک میلان، 1996) صفحه 101.

13- قانون اساسی 1964 افغانستان از چنین مسئولیتی جلوگیری میکرد از میان شرط ها در اصل

86 که: هیچ عضوی از شورا (پارلمان) به عنوان رهبر یا هیچ یکی از اعضای دولت به عنوان

عضوی از شورا (پارلمان) نمی تواند فعالیت کند. رجوع کنید به محمد هاشم کمالی، قانون در

افغانستان، مطالعه ای در قانون اساسی: قوانین ازدواج و قوه قضائیه (لیدن: ای.جی. بریل. 198م)

- 14- قانون اساسي استراليا، بخش 10 : هنگامي که قانون يك قومندي با قانون قومندي کل بریتانیا متناقض است، قانون فرمانداری کل بریتانیا باید حکم فرما شود و قانون گذار برای رفع این تناقض، باید قانون فرمانداری را لغو کند .
یادداشت: هر چیز ، عبارت قانون فرمانداری کل بریتانیا(بدرستی)توسط بالاترین محکمه استراليا به اعتبار قانوني قانون فرمانداری کل بریتانیا تفسیر شد .
اما، قانون فرمانداری کل بریتانیا که بدون مجوز صحیح قانوني بنیانگذاري شد کاملاً قانوني نخواهد شد
و بر قوانین فرمانداریها غالب خواهد بود.
- 15- مشهورترین محدودیت شرایط شامل اصلحیه 22 قانون اساسي ایالات متحده آمریکا است:
هیچ شخصی نباید بیش از دو بار برای لیست ریاست جمهوری انتخاب شود.
- 16- رجوع کنید به: جی. بینگهام پاول. انتخابات به عنوان ابزار دموکراسی. اکثریت و تصورات متناسب
(نیوهون، انتشارات پوهنتون یال، 2000 م).
صفحات: 4-7
- 17- بن ریلی و آندرو رینولدز، سیستم انتخاباتی و تضاد در جوامع تقسیم شده.
(واشینگتن دی سی: انتشارات آکادمی ملی، 1999م)صفحه 55.
- 18- رجوع کنید به بنجامین ریلی، دموکراسی در جوامع تقسیم شده: مهندسی انتخاباتی
برای
مدیریت تضادها (کمبریج، انتشارات پوهنتون کمبریج، 200 م).
صفحات 33-36
- 19- رجوع کنید به استیون جی برافر و پیتر. سی. فیش بورن، اخذ رای موافق
(بوستون، 1983م).